

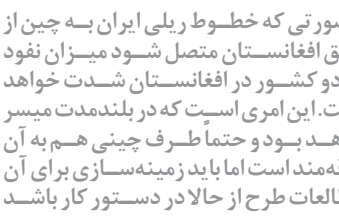


دورنمای روابط اقتصادی تهران – کابل چیست؟
شاید این مهم ترین سئوال پیش‌روی حداقل فعالان اقتصادی در شرایط فعلی افغانستان با هیئت حاکمه به‌رسمیت نشناخته شده طالبان است. اگر ببذیریم دیپلماسی اقتصادی، گذری برای تأمین منافع ملی یا بهره‌گیری از فرصت‌های سیاسی و البته ابزاری برای اثر گذاری در قواعد بین‌المللی و روابط طرفین است، شاید بتوان از این رهگذر، الزاماتی برای دورنمای روابط اقتصادی و سیاسی تهران – کابل ترسیم کرد. پیش‌تر نیز در «جوان» تأکید کرده بودیم سخن از افغانستان همواره با درک تلخی زندگی مردم مظلوم این کشور همراه است چه آنکه حداقل از چهار دهه قبل در دام انواع «بسم»ها همچون «کمونیسم» و «لیبرالیسم» گیر کرده‌اند و تلاش مجاهدان این کشور نیز با وجود پیروزی‌های مقطعی هنوز موفق به پیروزی نهایی نشده‌است. مردم افغانستان از سال ۱۳۵۹ تا ۱۳۷۱ درگیر کمونیست‌های شوروی بودند و با جهاد مجاهدان روزهای خوش از راه رسید، اما چهار سال بیشتر طول نکشید که روزهای سخت طالبان از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۰ بر این کشور سایه انداخت. این پایان ماجرا نبود چه آنکه رژیم امریکا با لشکر کشی به افغانستان این کشور را به مدت ۲۰ سال، یعنی تا ۱۴۰۰ اشغال و ضمن کشتار وحشیانه مردم، اموال این کشور را نیز تاحکمن غارت کرد و پس از مکیدن خون مردم افغانستان، ضمن دور انداختن دولت اشرف غنی که خود سرکار آورده بود (تکرار سناریوی مشابه در همه کشورهای حامی امریکا)، این کشور را تقدیم طالبان کرد، بنابراین بدون در نظر گرفتن پیشینه سیاسی و وضع حاکم بر افغانستان، سخن گفتن از وضعیت اقتصادی و تجارت با آن کشور راهی سراسر خطاست.

افغانستان که به عبارتی «بهشت معادن» است، منابع با ارزش آن همچون لیتیم، مس، نیکل، کوبالت، اورانیوم، طلا و… توسط رژیم امریکا به کلی غارت شده است. جالب آنکه در تمام این سال ها، مقامات امریکایی مستقر در افغانستان در تلاش برای القای این گزاره در ذهن افغانستانی‌ها بودند که «باید با ایرانی‌ها همکاری داشته باشید و این همکاری به ضرر شماست» به طوری که پس از فرار امریکا از افغانستان و تقدیم این کشور به طالبان، در سفر برخی مسئولان معدنی کشورمان به افغانستان از نوع مواجهه و طرز تفکر آنها درباره ایران متعجب شده و برای زودن القانات دروغین امریکایی‌ها تلاش کردند. طبعاً توسعه مرادات اقتصادی با افغانستان منوط به نوع ارتباط سیاسی کشورمان با حکومت فعلی آن کشور است. به گفته حسین امیرعبدللهیان، وزیر امور خارجه کشورمان «همچون لیتیم، مس، نیکل، کوبالت، اورانیوم، طلا شناخته‌ایم» طبعاً بخشی از این ارتباطات در حوزه اقتصادی است. نکته‌ای که نباید از آن غافل بود اینک جمهوری اسلامی ایران بین نظام سیاسی فعلی افغانستان و اشتراکات فرهنگی، زبانی، تاریخی و تمدنی ایران و افغانستان تمیز قابل شده است و طبق روال گذشته از کمک به مردم این کشور دریغ نمی‌کند، فارغ از پناه دادن به اتباع افغانستانی تأمین زمینه تحصیل کودکان افغانستانی در ایران که در دنیا اگر بی نظیر نباشد حتماً کم‌نظیر است. پروژه‌های عمرانی ایران در افغانستان با محوریت تجار ایرانی در حوزه‌های کشت فراسرزمینی، استخراج و فراوری مواد معدنی، عمرانی، ریلی و… در حال انجام است.

فرشاد عادل، پژوهشگر مطالعات استراتژیک و اندیشه سیاسی و مدیر دیار تمان مطالعات کردپور هاو سیاست‌پژوهی راه‌اندیشکده «جهان معاصر» در گفت‌وگو با «جوان» با بیان اینکه به طور کلی مسائل مرتبط با افغانستان پیچیده‌است و این پیچیدگی با تسلط طالبان بر این کشور دوچندان شده است، می‌گوید: «در حال حاضر خردهایی که در افغانستان تحت حاکمیت طالبان می‌بینیم چندان نرمال نیست، اما در عین حال نمی‌توان هم آنها را کتمان کرد و در نهایت باید خودمان را با شرایط وفق دهیم و هوشمندی لازم در برخورد با این مسئله داشته باشیم. افغانستان تحت تسلط طالبان واقعیتی است که باید آن را پذیرفت و تصمیم‌گیری‌های ما نیز باید بر اساس این واقعیت باشد.»

وی می‌افزاید: «به منظور درک شرایط متشدد میزبان نقود ابتدا مقدمه‌ای در خصوص کشور افغانستان بیان شود. از نظر تاریخی، منطقه‌ای که در حال حاضر افغانستان خوانده می‌شود همواره نقش ویژه‌ای ایفا کرده‌است. این منطقه در برهه فعلی همواره به یکی از گران‌هسای دارای اهمیت ژئواستراتژیک بوده‌است و به دلیل موقعیت جغرافیایی



در صورتی که خطوط ریلی ایران به چین از طریق افغانستان متصل نشود میزبان نقود این دو کشور در افغانستان شدت خواهد گرفت. این امری است که در بلندمدت میسر خواهد بود و حتماً طرف چینی هم به آن علاقه‌مند است اما باید زمینه‌سازی برای آن و مطالعات طرح از حالا در دستور کار باشد

اساس ضرورت جهت‌گیری دیپلماسی اقتصادی ایران به سوی بازار همسایگان به ویژه در شرایط فشار حداکثری امریکا، اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند و افغانستان به عنوان دروازه ورود ایران به آسیای مرکزی و چین بهترین فرصت برای حضور فعالان اقتصادی، تجاری است و استفاده از ظرفیت کشورهای همسایه یکی از مسائل با اهمیت در دیپلماسی اقتصادی به‌شمار می‌رود. در میان این کشورها، افغانستان به دلیل اشتراکات فرهنگی و زبانی و نیز دارا بودن وضعیت اقتصادی خاص از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای در دیپلماسی اقتصادی ایران برخوردار است، از آنجا که کشور افغانستان ۹۰درصد نیازهای خود را از کشورهای همسایه خود تأمین می‌کند، می‌تواند نقش مهمی به عنوان کشور مقصد در صادرات ایران داشته باشد. ۶۵۰هزار کیلومتر مربع وسعت و تقریباً ۲۸ میلیون نفر جمعیت و بیش از ۹۲۰ کیلومتر مرز مشترک، جایگاه و اهمیت ویژه‌ای به لحاظ ژئواکونومی و ژئواستراتژیکی در بین همسایگان ایران دارد. مطابق آمار مرکز تجارت جهانی، ایران نخستین مبدأ واردات افغانستان در چند سال گذشته بوده است. میزان تجارت ایران و افغانستان سالانه حدوداً ۲/۵ میلیارد دلار است.

اقتصاد

سرویس اقتصادی ۸۸۴۹۸۴۳۳



خود و قرار گرفتن بین فلات ایران و کوه‌های همیالیا، در طول قرن‌ها به محل تلاقی امپراطوری‌های مختلف تبدیل شده که هیچ کدام نتوانسته‌اند این منطقه را برای همیشه به تصرف درآورند، چراکه افغانستان منطقه‌ای ناهموار و به لحاظ جغرافیایی است که پایگاه‌های قدرت غیرمتمرکز قومیتی در آن نقش آفرینی بر جسته دارند و بسیار دشوار است که بتوان چنین سرزمینی را به صورت مرکزی اداره کرد. شهادت تاریخ نیز در این خصوص اثبات‌کننده سخن ما بوده است و از زمانی که افغانستان به عنوان یک موجودیت سیاسی متولد شد حکمرانی بر آن برای حاکمانش با چالش همراه بوده است.»

عادل تصریح می‌کند: «در دهه ۱۹۸۰ و در طول جنگ سرد، افغانستان تبدیل به کانون برنامه‌ریزی ژئواستراتژیک ایالات متحده شد. پس از خروج نیروهای شوروی از این کشور، افغانستان تاحدودی موقعیت ویژه خود را از دست داد، زیرا مجاهدین مورد حمایت امریکا مأموریت خود را انجام داده بودند. با این حال با نگاهی به گذشته می‌توان دریافت که خرداهای این دوره و خالی شدن افغانستان از نیروهای خارجی‌ای که در این کشور نقش آفرین بودند چگونه باعث ظهور نیروهایی مانند طالبان در کشوری زخم خورده از جنگ و نزاع داخلی شد. حتی پس از سقوط طالبان در سال ۲۰۰۱، فقدان استراتژی برای مقابله با چالش‌هایی که افغانستان با آنها دست به گریبان بود مشکلی جدی به حساب می‌آمد. مأموریت تحت رهبری ایالات متحده در امریکا که در آن مبارزه با القاعده و سرنگونی رژیم طالبان

گرفتند، رویکردی که امری تحمیلی بود و تلاش امریکا بر تلاشی برای ملت‌سازی در افغانستان شد که البته نتیجه‌ای به همراه نداشت و در حال حاضر نیز مهم‌ترین چالش مرتبط با افغانستان همین موضوع است.»
وی می‌افزاید: «مهم‌ترین دلیل این پیچیدگی برونده افغانستان برای ما وجود حاکمیتی است که یک دولت به رسمیت شناخته از سوی جامعه بین الملل است. ما با کدوم موارد را به دلیل فضای فکری و خشونت نداریم که دولت مقتدر گره خورده که به دلایل مختلفی از جمله بحث دولت بودن افغانستان و فقدان سابقه ملی در افغانستان این مسئله تا به امروز فراهم شده‌است و با وجود چنین شرایطی مدیریت صحیح‌وجه عمومی و منابع مالی هم در اداره این کشور نخواهد گرفت.»

عادل ادامه می‌دهد: «امریکایی‌ها هم به این جوه آگاهی داشتند و تلاش‌شان این بوده که به نحوی بتوانند فرآیند دولت‌سازی را در افغانستان شکل دهند. امریکایی‌ها به دلیل اینکه برای نگرانی‌های امنیتی خود بعد از ۱۱ سپتامبر راه‌حلی پیدا کنند رویکرد دولت‌سازی را در این کشور پیش



«جوان» در گفت‌وگو با یک کارشناس الزامات از تباط با هیئت حاکمه فعلی افغانستان را از منظر اقتصادی و سیاسی واکاوی می‌کند

تعامل با طالبان با دیپلماسی اقتصاد و راهبرد چندوجهی ممکن می‌شود

فهم این پیچیدگی‌ها نیاز داریم راهبردی را تعریف کنیم که پاسخگوی نیازهای ما در جهت کسب بیشترین منافع ملی و تضمین منافع‌مان باشد که باید در وهله اول بحث دیپلماسی را در دستور کار داشته باشیم. چه بخواهیم چه نه، طالبان حاکمیت این کشور را در دست دارد و این کشور همسایه ماست و باید با هیئت حاکمه این کشور تعامل کنیم اما در کنار این مسئله دیپلماسی ابزار کافی برای تأمین منافع ما در افغانستان نیست.

عادل تأکید می‌کند: «ما نیاز داریم دوستداران ایران را در آنجا حمایت کنیم. باید سیاست‌هایی اتخاذ کنیم که

نیروهای نزدیک به ایران از موقعیت خوبی برخوردار باشند. زبان فارسی و مذهب تشیع رابطه تاریخی ایران و افغانستان را حفظ می‌کند و براساس این دو بنیان باید با نگاه ویژه‌ای بدان پردازیم. حمایت ما از نیروهای نزدیک به ایران در افغانستان که برپایه فرهنگ مشترک شکل می‌گیرد باید سنگ‌راهی فرهنگی مان را در افغانستان حفظ کند تا بتوانیم

فهم این پیچیدگی‌ها نیاز داریم راهبردی را تعریف کنیم که پاسخگوی نیازهای ما در جهت کسب بیشترین منافع ملی و تضمین منافع‌مان باشد که باید در وهله اول بحث دیپلماسی را در دستور کار داشته باشیم. چه بخواهیم چه نه، طالبان حاکمیت این کشور را در دست دارد و این کشور همسایه ماست و باید با هیئت حاکمه این کشور تعامل کنیم اما در کنار این مسئله دیپلماسی ابزار کافی برای تأمین منافع ما در افغانستان نیست.

عادل تأکید می‌کند: «ما نیاز داریم دوستداران ایران را در آنجا حمایت کنیم. باید سیاست‌هایی اتخاذ کنیم که نیروهای نزدیک به ایران از موقعیت خوبی برخوردار باشند. زبان فارسی و مذهب تشیع رابطه تاریخی ایران و افغانستان را حفظ می‌کند و براساس این دو بنیان باید با نگاه ویژه‌ای بدان پردازیم. حمایت ما از نیروهای نزدیک به ایران در افغانستان که برپایه فرهنگ مشترک شکل می‌گیرد باید سنگ‌راهی فرهنگی مان را در افغانستان حفظ کند تا بتوانیم

فهم این پیچیدگی‌ها نیاز داریم راهبردی را تعریف کنیم که پاسخگوی نیازهای ما در جهت کسب بیشترین منافع ملی و تضمین منافع‌مان باشد که باید در وهله اول بحث دیپلماسی را در دستور کار داشته باشیم. چه بخواهیم چه نه، طالبان حاکمیت این کشور را در دست دارد و این کشور همسایه ماست و باید با هیئت حاکمه این کشور تعامل کنیم اما در کنار این مسئله دیپلماسی ابزار کافی برای تأمین منافع ما در افغانستان نیست.

فهم این پیچیدگی‌ها نیاز داریم راهبردی را تعریف کنیم که پاسخگوی نیازهای ما در جهت کسب بیشترین منافع ملی و تضمین منافع‌مان باشد که باید در وهله اول بحث دیپلماسی را در دستور کار داشته باشیم. چه بخواهیم چه نه، طالبان حاکمیت این کشور را در دست دارد و این کشور همسایه ماست و باید با هیئت حاکمه این کشور تعامل کنیم اما در کنار این مسئله دیپلماسی ابزار کافی برای تأمین منافع ما در افغانستان نیست.

فهم این پیچیدگی‌ها نیاز داریم راهبردی را تعریف کنیم که پاسخگوی نیازهای ما در جهت کسب بیشترین منافع ملی و تضمین منافع‌مان باشد که باید در وهله اول بحث دیپلماسی را در دستور کار داشته باشیم. چه بخواهیم چه نه، طالبان حاکمیت این کشور را در دست دارد و این کشور همسایه ماست و باید با هیئت حاکمه این کشور تعامل کنیم اما در کنار این مسئله دیپلماسی ابزار کافی برای تأمین منافع ما در افغانستان نیست.

فهم این پیچیدگی‌ها نیاز داریم راهبردی را تعریف کنیم که پاسخگوی نیازهای ما در جهت کسب بیشترین منافع ملی و تضمین منافع‌مان باشد که باید در وهله اول بحث دیپلماسی را در دستور کار داشته باشیم. چه بخواهیم چه نه، طالبان حاکمیت این کشور را در دست دارد و این کشور همسایه ماست و باید با هیئت حاکمه این کشور تعامل کنیم اما در کنار این مسئله دیپلماسی ابزار کافی برای تأمین منافع ما در افغانستان نیست.

فهم این پیچیدگی‌ها نیاز داریم راهبردی را تعریف کنیم که پاسخگوی نیازهای ما در جهت کسب بیشترین منافع ملی و تضمین منافع‌مان باشد که باید در وهله اول بحث دیپلماسی را در دستور کار داشته باشیم. چه بخواهیم چه نه، طالبان حاکمیت این کشور را در دست دارد و این کشور همسایه ماست و باید با هیئت حاکمه این کشور تعامل کنیم اما در کنار این مسئله دیپلماسی ابزار کافی برای تأمین منافع ما در افغانستان نیست.

فهم این پیچیدگی‌ها نیاز داریم راهبردی را تعریف کنیم که پاسخگوی نیازهای ما در جهت کسب بیشترین منافع ملی و تضمین منافع‌مان باشد که باید در وهله اول بحث دیپلماسی را در دستور کار داشته باشیم. چه بخواهیم چه نه، طالبان حاکمیت این کشور را در دست دارد و این کشور همسایه ماست و باید با هیئت حاکمه این کشور تعامل کنیم اما در کنار این مسئله دیپلماسی ابزار کافی برای تأمین منافع ما در افغانستان نیست.



و به قاطع‌ترین شکل با تهدیدات مقابله می‌کنیم.»
عادل خاطر نشان می‌کند: «به طور خلاصه باید گفت تنها راه حل چالش‌های مرتبط با افغانستان تحت حاکمیت طالبان، بهره‌گیری از یک راهبرد چند وجهی است که در آن به‌طور هم‌زمان دیپلماسی، حمایت از نیروهای نزدیک به ایران در افغانستان و در دستور کار بودن قاطعیت در برخورد با تهدیدهای امنیتی و نظامی مورد توجه باشد. هر کدام از این موارد به تنهایی کارگشا نخواهد بود و ما تنها زمانی می‌توانیم در افغانستان موفق باشیم که این موارد را با هوشمندی و در کنار هم مورد استفاده قرار دهیم.»

مدیر دیار تمان مطالعات کردپور هاو سیاست‌پژوهی راه اندیشکده «جهان معاصر» می‌گوید: «همچنین از برخی ابزارهای سیاسی دیگر هم می‌توانیم استفاده کنیم که یکی از این ابزارها دیپلماسی با چین است. باید با طرف چینی همکاری داشته باشیم و افغانستان جزو موضوعات مشترک گفت‌وگویمان با طرف چینی باشد. به واسطه اینکه چینی‌ها در جریان‌های تندرو در افغانستان نظیر داعش هراس دارند، این امر تهدیدی مشترک برای ایران و چین است و حتماً باید در ارتباط سیاسی با چین برای کنترل مسئله افغانستان استفاده کنیم و این کشور را موضوع همکاری بین ایران و چین کنیم. این مسئله را در ابعاد سیاسی و اقتصادی پیاده‌سازی و افغانستان را به بستری برای همکاری‌های

امنیتی، سیاسی و اقتصادی ایران و چین تبدیل کنیم. همچنین نقش آفرینی پاکستان در افغانستان ویژه است و با روس‌ها هم به واسطه اینکه خود را حافظ ثبات و امنیت منطقه آسیای میانه می‌داند می‌توانیم همکاری‌هایی داشته باشیم. ما باید افغانستان را بستری ببینیم که در آن بستر به همکاری با کشورهای مختلف دست بزنیم که این امر در نهایت به سود کشور افغانستان نیز خواهد بود.»

وی می‌افزاید: «سوی دیگر شرکت‌های ایرانی نیاز دارند در این کشور سرمایه‌گذاری کنند، چراکه افغانستان کشوری با بیش از یک تریلیون دلار ارزش منابع معدنی شناسایی شده است و باید نسبت به این مسئله آگاهی لازم را داشته باشیم. بنادر ایرانی نیز از این ظرفیت را دارند که زمینه‌ساز تأمین نیازهای افغانستان باشد به ویژه بندر چابهار می‌تواند بستری برای این مهم باشد و افغانستان را به دریا‌های آزاد متصل کند.»

عادل اظهار می‌کند: «این کشور باید نیازمندان ایران باشد و همین مسئله هم می‌تواند شرایط را ایجاد کند که چسبندگی اقتصادی بیشتر شود و هر چقدر این موضوع تأکید شود ثبات به نفع هر دو طرف خواهد بود. بلندمدت باید نگاه ویژه‌ای به همکاری با چین در زمینه توسعه خطوط ریلی در افغانستان داشته باشیم. با وجود شرایط سخت جغرافیایی از طریق افغانستان به چین متصل و کشورمان را به یک پل زمینی بین شرق و غرب تبدیل کنیم و در صورتی که خطوط ریلی ایران به چین از طریق افغانستان متصل شود میزان نفوذ این دو کشور در افغانستان شدت خواهد گرفت. این امری است که در بلندمدت میسر خواهد بود و حتماً طرف چینی هم به آن علاقه‌مند است، اما باید زمینه‌سازی برای آن و مطالعات طرح از حالا در دستور کار باشد. این مسئله همسایگان را در افغانستان تبدیل به بستری خواهد کرد که در آن همکاری‌های بین‌المللی بین همسایگان این کشور و قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی رقم می‌خورد و چنین اقدامی تنها راهسکار بلندمدت برای خنثی‌سازی تهدیدهای مشترک است.»

وی می‌افزاید: «سوی دیگر ما باید تلاش کنیم که زمینه‌ساز حضور اقتصادی سایر کشورها در افغانستان باشیم. جغرافیای ایران این پتانسیل را دارد که زمینه‌ساز ایجاد ارتباط میان افغانستان و کشورهای منطقه باشد که علاقه‌مند به حضور در بازار این کشور و سرمایه‌گذاری در آن هستند. ایران باید گذرگاهی باشد که حضور این کشورها در افغانستان از طریق آن رقم بخورد. به عنوان مثال ما می‌توانیم به گذرگاهی که هند را به افغانستان متصل کند تبدیل شویم با وجود اینکه با روی کار آمدن طالبان روابط با هند به گرمی قیل نیست، اما نقش میانجیگری را ایفا و از ظرفیت‌های بندر چابهار برای فعال کردن پتانسیل‌های افغانستان و آسیای میانه استفاده کنیم. این امر حتماً با هوشمندی و به کارگیری استراتژی‌های دقیق میسر است و نباید تصور کنیم که ایران توان چنین اقداماتی را ندارد. ما باید نقش تاریخی خود را با استفاده از تمام ظرفیت‌ها برای تأمین امنیت و صلح منطقه در برهه فعلی همواره به یکی از گران‌هسای دارای اهمیت ژئواستراتژیک بوده‌است و به دلیل موقعیت جغرافیایی

نگارخانه

از سرگیری مبادلات اقتصادی در پایانه مرزی میلک

مدیرکل راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای سیستان و بلوچستان گفت: مبادلات اقتصادی در پایانه مرزی میلک (پل ابریشم) با کشور افغانستان پس از یک روز تعطیلی یک‌شنبه(۱۴۰۲/۳/۷) از سر گرفته شد. ایوب کرد در گفت‌وگو با اپرا اظهارداشت: در پل ابریشم به دلیل درگیری‌های روز(شنبه) در مرز ایران و افغانستان، هر گونه مبادلات اقتصادی در مرز میلک با کشور افغانستان تعطیل شد.

وی بیان کرد: پس از آرام شدن وضعیت در مرز، ساعتی قبل مبادلات اقتصادی در پایانه مرزی میلک از سر گرفته شد. به گزارش اپرا پایانه و بازارچه مرزی میلک شهرستان هیرمند در ۳۴۰ کیلومتری شمال زاهدان مرکز سیستان و بلوچستان و در همسایگی ولایت نیمروز در افغانستان واقع شده‌است. در این پایانه مرزی ۱۸۰ شرکت بین‌المللی و دو شرکت شوروی در حال فعالیتند و حدود هزار نفر در این مرز مشغول به کار هستند. عمده کالاهایی که از پایانه مرزی میلک به کشور افغانستان ترازیت می‌شود لوازم بدکی خودرو و کالاهای صادراتی شامل فرآورده‌های لبنیاتی، میوه و تره‌بار، فرآورده‌های نفتی، برف و سیمان است. با توجه به اینکه شهر زنج‌افغانستان دارای امنیت بالاتری نسبت به سایر شهرهای افغانستان است، اکثر رانندگان خارجی ترده در مرز میلک را ترجیح می‌دهند. بازارچه مرزی میلک تا اولین شهر افغانستان که همان زنج‌است تنها چهار کیلومتر فاصله دارد که همین امر باعث سهولت در ترده رانندگان شده است.

ایجاد و گسترش بازار سیاه در امتداد مرز افغانستان– ایران شده است.

۳. تقویت همبستگی اقتصادی منطقه‌ای از طریق بندر چابهار، پروژه راه ابریشم:
در این میان ایران و افغانستان امروزی که برای هزاران سال نقش یک پل ارتباطی بین شرق و غرب و شمال و جنوب را ایفا کرده‌اند، راه ابریشم جدید می‌تواند زمینه‌های همکاری را مرحله به مرحله گسترش دهد. بدون شک توسعه اقتصادی منطقه با افغانستان به ریشه‌کن‌سازی تولید و توزیع موادمخدر زمینه‌های گروایی به توروپسوم و افراط‌گرایی مذهبی از طریق کاملاًمسالمت‌آمیز کمک می‌کند. این کارشناس اندیشکده دیپلماسی اقتصادی خاطر نشان می‌کند: آنچه موجب استفاده حداکثری از ظرفیت اقتصادی کشورهای همسایه مثل افغانستان خواهد شد، به کارگیری دیپلماسی اقتصادی فعال از سوی ایران است. افغانستان از ظرفیت‌های خوبی برای تقویت تجارت خارجی ایران برخوردار است. این کشور دروازه ورود ایران به کشورهای آسیای میانه است و به دلیل قرار گرفتن در مسیر راه ابریشم ظرفیت بالایی برای انتقال کالا را داراست.

✽کارشناس اندیشکده دیپلماسی اقتصادی